

۱۹۷

دکتر جمع

گزیده بیانات آیت الله عابدینی

خطبه‌های نماز جمعه ۲۳ آذرماه ۱۴۰۳



سازمان مجله قرین



نشریه ذکر جمعه
با هدف انتشار گزیده بیانات
ائمہ جمعہ قزوین در خطبه‌های نماز
جمعه، هر هفته به صورت الکترونیکی از
طریق شبکه‌های اجتماعی ستاد نماز
جمعه منتشر می‌گردد.
لازم به ذکر است متن بیانات ائمہ
محترم جمعہ، با حذف و اضافات و
ویرایش همراه است و سعی شده
است جهت مطالعه و بهره‌جویی
هرچه بهتر مخاطبین گرامی، اهم
محورها ارائه گردد.

خطبه اول

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ
عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.
أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ.

دعوت به تقوا

قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

﴿إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ
أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ.﴾^۱

قرآن به شیوه‌های مختلف و از راه‌های گوناگون، ما را به تقوا دعوت می‌کند. گویی صدها راه به ما نشان می‌دهد تا از مسیر تقوا بیرون نرویم و هر سلیقه و

۱. زندگی دنیا فقط بازیچه است و سرگرمی. اگر واقعاً ایمان بیاورید و مراقب رفتارتان باشید، خدا پاداشتان را می‌دهد. در عوضش هم، همهٔ اموالتان را از شما نمی‌خواهد (محمد: ۳۶).



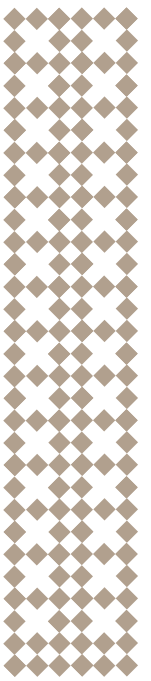
روحیه‌ای که داریم، در این ((سُبُل))، این راه‌های متنوع خدایی [بمانیم]. سُبُل یعنی راه‌ها. ما یک ((صراط)) داریم؛ صراط‌ها نداریم. یک دین داریم؛ ادیان نداریم. اما ((سُبُل))، راه‌های مختلف و فرعی هستند که ما را به ((صراط)) می‌رسانند؛ آن صراط یک راه است و آن دین یک دین است. قرآن از راه‌های مختلف، ما را به همان صراط مستقیم و راه درست دعوت می‌کند. یکی از آن راه‌ها این است که می‌فرماید:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (۱۳۹)
 إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ
 نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ
 شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.﴾

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا...﴾: مبادا سست و محزون شوید. مخصوصاً [با] حوادثی که این روزها توجه همه مردم مؤمن، مسلمان، عدالت‌خواه و انسان را در

۱. از شکست خوردن در اُحد، ضعف به خودتان راه ندهید و روحیه‌تان را نبازید؛ چون شما حقیقتاً برتر هستید، به شرطی که واقعاً ایمان داشته باشید اگر در جنگ اُحد شما ضربه‌ای خوردید، در جنگ بدر هم دشمن ضربه‌ای مشابه خورد. طبق مصلحت، روزهای پیروزی و شکست را بین مردم دست‌به‌دست می‌کنیم تا خدا کسانی را که واقعاً ایمان آورده‌اند، معلوم کند و از بینتان گواهانی بر کارهایتان بگیرد... خدا بدکارها را دوست ندارد (آل عمران: ۱۳۹ و ۱۴۰).





عالم به خود جلب کرده است، در این فضا، مطالبی را خدمت شما عرض می‌کنم. مبادا ناامید و نگران شویم و شک کنیم در ادامه راه درستی که برای رضای خدا در پیش گرفته‌ایم.

﴿...وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾: شما علو مرتبه دارید و بالادست هستید؛ به شرط آنکه مؤمن باشید. اگر کارتان برای رضای خدا باشد، پای کار خدا و عدالت و زمینه‌سازان ظهور منجی عالم بشریت باشید و از مستضعفان و مظلومان عالم حمایت کنید؛ اگر واقعاً این‌گونه باشید، همیشه پیروز هستید.

آزمون‌های الهی؛ عامل رشد انسان

﴿...وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ...﴾: گاهی خدا شما را امتحان می‌کند. معمولاً زمانی امتحان می‌کند که می‌خواهد به شما عزت و مقام بالاتر بدهد. امتحانات برای همین است. ما امتحان می‌دهیم، از مدرسه ابتدایی وارد مراحل بعدی می‌شویم، از دبیرستان وارد دانشگاه می‌شویم و از دانشگاه امتحان به امتحان بالا می‌رویم: «ماز

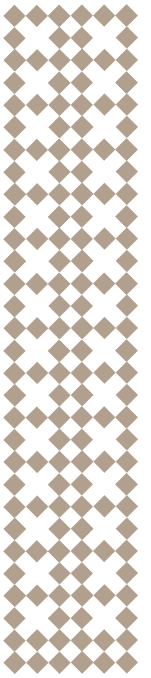
بالایم و بالا می‌رویم»^۱.

با امتحانات خدا بالا می‌رویم. اگر خدا امتحان می‌کند، برای این است که ما به این امتحان نیاز داریم. ما محتاج امتحان هستیم. بدون امتحان رشد نمی‌کنیم. هرچه امتحان سخت‌تر باشد، معلوم می‌شود کسانی که خدا از آنان امتحان می‌گیرد، پیش خدا ارزش بیشتری دارند. مثلاً آدم تحصیل‌کرده‌ای که می‌خواهند به او دکتری بدهند، [اگر] سوالات امتحانی پیش‌پاافتادهٔ مدرسهٔ ابتدایی [از او بپرسند]، به او توهین کرده‌اند. هرچه سوالات امتحان سخت‌تر باشد، به معنای احترام بیشتر [است؛ یعنی] روی شخصیت او حساب کردند. خدا ما را امتحان می‌کند:

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ. ﴿۲﴾
وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ^{صلى} فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ. ﴿۳﴾^۲

۱. مولانا، غزلیات شمس

۲. نکند مردم خیال می‌کنند همین که ادعا کنند (اسلام آورده‌ایم)، به حال خودشان رها می‌شوند و امتحان پس نمی‌دهند؟! مردم قبل از آن‌ها را هم امتحان کرده‌ایم. خدا کسانی را که راست می‌گویند، حتماً معلوم می‌کند و دروغ‌گوها را هم حتماً معلوم می‌کند (عنکبوت: ۲ و ۳).



[آیا] آدم‌ها گمان کردند همین که گفتند «ایمان آوردیم»، به حال خودشان رها می‌شوند و امتحان نمی‌شوند؟ سپس می‌فرماید: نگاه کنید. تاریخ پر از صحنه‌های امتحان است؛ تا آن‌هایی که راست می‌گویند و آن‌هایی که دروغ می‌گویند [شناخته شوند]. در آیات دیگری می‌فرماید: ﴿...وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۱۶۶) ﴿وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا...﴾^۱ تا آن‌هایی که مؤمن هستند و آن‌هایی که منافق هستند، از یکدیگر جدا شوند. این‌ها کجا می‌توانند جدا و شناخته شوند؟ در امتحان شناخته می‌شوند.

اطاعت از خدا و پیامبر خدا ﷺ؛

لازمه درستی اعمال

همچنین [خداوند] فرمود:

۱. اشاره به آیه ۱۶۶ و ۱۶۷ سوره آل عمران: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَيَاذَنَ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۱۶۶) ﴿وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ ترجمه: به هر حال، صدماتی که به وقت درگیری دو طرف در جنگ آمد به شما وارد شد، به خواست خدا بود تا مؤمنان واقعی را معلوم کند و کسانی را هم که دورویی می‌کنند، معلوم کند؛ همان‌هایی که وقتی شنیدند: «بیایید در راه خدا بجنگید یا دست‌کم از خودتان دفاع کنید»، گفتند: «اگر می‌دانستیم که جنگی در کار است، همراهی‌تان می‌کردیم!» آن‌ها در آن روز به بی‌دینی نزدیک‌تر بودند تا به ایمان؛ برای اینکه دل و زبانشان یکی نبود. خدا بهتر می‌داند چه چیزهایی کتمان می‌کنند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا
أَعْمَالَكُمْ﴾.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾. اگر
می‌خواهید موفق باشید، باید با نظامات الهی
همراه باشید. فقط خدا را اطاعت کنید و مطیع خدا
باشید. نباید مطیع شیطان شویم. حرف شیاطین و
پیشنهادها، امیدها و طمع‌برانگیزی‌های آن‌ها نباید
روی ما تأثیر بگذارد. فقط خدا را اطاعت کنیم و
فرمان‌بر حکم خدا و رسول خدا ﷺ باشیم.

اگر بخواهیم خدا را اطاعت [کنیم]، باید پای کار
اطاعت از فرستاده و رسول خدا ﷺ باشیم. وقتی پای
کار اطاعت از رسول خدا ﷺ می‌رویم، رسول خدا ﷺ
جانشینانش را به ما معرفی می‌کند و می‌گوید: «(من
و جانشینانم و پیروان ما حزب خدا هستیم.)» در
مقابل [آن]، حزب شیطان است. پس مردم، مؤمنان
و متدینان در سراسر جهان با اطاعت از خدا، رسول
خدا ﷺ و علی و اولاد علی عليهم السلام، با انتظار ظهور و نماز

۱. مسلمانان! درباره جنگ و جهاد، از خدا و پیامبر اطاعت کنید و با کوتاهی در این باره کارهای خوبتان را بر باد ندهید (محمد: ۳۳).







و عبادت و با ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...﴾^۱، حزب خدا و پای کار خدا هستند. در مقابل [آن]، همه شیاطین، مستکبران، صهیونیست‌های سگ‌ها، آمریکا و انگلیس و ایادی اشراری آنها مانند داعش و غیر داعش، این‌ها هم حزب شیطان هستند.

شرایط به‌گونه‌ای شده است که این معنا را باید از همیشه جدی‌تر بگیریم. معلوم است که «حزب‌الله» باید با هم باشند. آن کسی که بین مردم اختلاف می‌اندازد، حزب شیطان و عامل شیطان است. قرآن راجع به اَبی بن خَلَف، سرکرده منافقان فرمود:

﴿إِنَّمَا ذَالِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ
وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲

او خود شیطان است. به مؤمنان که می‌رسد، دل آن‌ها را خالی می‌کند، دروغ‌پراکنی می‌کند و شایعه‌پخش می‌کند:

۱. اشاره به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ ترجمه: همگی حول محور خدا بچرخید و پراکنده نشوید! نعمت بارزش خدا به خودتان را به یاد آورید؛ دشمن همدیگر بودید و خدا دل‌هایتان را به هم مهربان کرد و با عنایتش، میانتان برادری برقرار شد؛ همین‌طور، فراموش نکنید زمانی را که داشتید در آتش جنگ و جنایت می‌سوختید و او از آن نجاتان داد. خدا نشانه‌های لطفش را این‌طور برایتان روشن می‌کند تا سربراه شوید!

۲. آن نیروی نفوذی دشمن که می‌خواست شما را از سپاه دشمن بترساند، شیطان به‌تمام معنا بود! اگر ایمانتان واقعی است، از سپاه دشمن نترسید؛ بلکه تنها از من حساب ببرید (آل عمران: ۱۷۵).



خبر از مرگ پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می‌دهد تا مسلمانان سست شوند. او عین شیطان است. ما باید از این‌ها درس عبرت بگیریم و وحدت و انسجام و برادری خودمان را قوی کنیم.

مردم مظلوم و گرفتار سوریه اگر بیشتر پای کار قرآن و دین و معنویت بودند، وحدت داشتند و گوش آن‌ها به شیطنت‌های فضا‌های مجازی نبود، شاید این اتفاق تلخ برای آن‌ها پیش نمی‌آمد. [چنان‌که] می‌دانید در فضای مجازی تبلیغ می‌کردند: «فلان شهر سقوط کرد»؛ [حال آنکه] هیچ اتفاقی نیفتاده بود. [مردم] یکدیگر را نگاه می‌کردند و می‌گفتند: «لابد سقوط کرده است که ما خبر نداریم؛ فرار کنیم.» [دشمنان] بدین صورت کار خودشان را پیش بردند: سربازان مجازی آن‌ها اول در جبهه فضای مجازی پیشروی کردند؛ سپس مردم را به گرفتاری، فرار، تفرقه، ترس و امثال آن کشاندند.

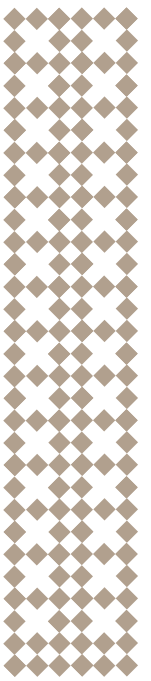
نعمت ولایت؛ اصلی‌ترین موهبت الهی

[خداوند] فرمود: از خدا، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، علی و اولاد

علی عليه السلام اطاعت کنید. این ما را حفظ می‌کند. علی و اولاد علی عليهم السلام هم به ما گفتند: «در زمان غیبت، شما بی‌صاحب نیستید؛ رهبر دارید. عالم‌ترین، فقیه‌ترین، بصیرترین، دل‌سوزترین و عادل‌ترین [شخص] رهبر شما می‌شود».

الان هم که ما زیر سایه رهبری ولایت فقیه زندگی می‌کنیم، بیشتر از گذشته قدر این نظام را می‌فهمیم. [با] شرایطی که در کشورهای پیرامونی ما پیش می‌آید، متوجه می‌شویم خدا چه نعمتی به ما داده است. آن‌گاه خوب درک می‌کنیم که چرا علامه طباطبایی رضی الله عنه در تفسیر المیزان هر جا می‌خواهد نعمت را معنا کند، اول می‌گوید: «اولین، مهم‌ترین و جدی‌ترین معنای نعمت، ولایت است. این نعمت اصلی است. همه چیز نعمت از طرف خداست؛ اما نعمت ولایت قابل مقایسه با نعمت‌های دیگر نیست.» حال می‌فهمیم چرا هر روز حداقل ده بار در نمازهای واجبمان باید التماس کنیم و بگوییم:

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. ﴿٢٢﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ



عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿١﴾

خدایا! ما را به راه راست هدایت کن. راه راست کدام است؟ صراطی [کسانی] که به آنان نعمت دادی، ولایت علی و اولاد علی عليهم السلام را دادی و شرّ اشرار خون خوار و خون آشام استکباری و صهیونیستی را از آن‌ها دور کردی. سپس فرمود: ﴿...وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ﴾. اگر با ولایت و امامت نباشید، نماز و روزه و همه چیز شما باطل می‌شود.

جایگاه ویژه ولایت در میان مبانی دین

از منظر امام باقر عليه السلام

در کتاب شریف کافی [آمده است که] حضرت امام باقر عليه السلام برای زُراره توضیح دادند و فرمودند:

زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ.»
قَالَ زُرَارَةُ فَقُلْتُ: «وَأَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ؟»

۱. ما را به راه درست زندگی ببر. راه کسانی که به آنان نعمت ویژه داده‌ای، همانانی که نه گرفتار خشم تو شده‌اند و نه راه را گم کرده‌اند (فاتحه: ۶ و ۷).



فَقَالَ: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ؛ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ... لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وِلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَيَكُونَ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ، مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَلَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ»^۱.

«بُنِي الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ... الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ؛ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ.»: اسلام بر پنج ستون استوار است: نماز، روزه، حج، زکات و ولایت. ولایت از آن چهار ستون خیلی مهم‌تر است؛ زیرا همان چهار ستون نماز، روزه، حج و زکات، بدون ولایت اجراشدنی نیستند. آن‌ها با ولایت جان می‌گیرند.

نماز جمعه با ولایت نماز جمعه می‌شود. الان کسانی که به نماز جمعه می‌آیند، انگیزه آن‌ها حکم ولی

۱. محمد بن یعقوب کلینی (شیخ کلینی)، الکافی، به تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش، ص ۱۸؛ ترجمه: اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. ولایت از همه برتر است؛ زیرا ولایت راهگشای دیگر پایه‌های دین و ولق خدا راهنمای آن‌هاست... اگر کسی همه شب عبادت کند، هر روز روزه باشد، همه دارایی‌اش را صدقه دهد و همه عمرش حج کند، اما ولایت ولی خدا را نپذیرد تا راهنمای او باشد، خداوند برای چنین کسی ثوابی در نظر نمی‌گیرد و او از اهل ایمان نیست.



و حدیث و روایت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است. می‌گویند: «ما ولیّ داریم و به ما گفتند نماز جمعه اهمیت دارد.» این، ولایت است که ما را به وحدت می‌رساند و همه چیز ما را ریشه‌دار و محکم می‌کند. حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ولایت از همه مهم‌تر است. سپس اهمیت نماز، روزه، زکات و حج را فرمودند؛ یعنی آن‌ها هم بسیار مهم هستند. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در آخر کلامشان مجدد راجع به ولایت فرمودند:

«لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلايَةَ وَلايَةِ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَيَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ...»: اگر کسی همه شب‌ها نماز بخواند، همه روزهای سال را روزه‌دار باشد، نه فقط خمس و زکات [بلکه] همه مالش را در راه خدا بدهد و هر ساله حج تمتع مشرف شود؛ اما نداند امام، ولیّ و رهبرش که او را در مسیر دین هدایت می‌کند، کیست و خودش را با او هماهنگ نکند...؛ این دو جمله در آخر حدیث [آمده] است:

«...مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَلا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ»: یکی اینکه ذره‌ای ثواب در قیامت نخواهد

داشت و این همه زحمتی که کشید هیچ ارزشی دارد.
دیگر اینکه در قیامت، اهل ایمان حساب نمی‌شود.
چه خسارتی از این بالاتر!

این آیه می‌فرماید: خدا، رسول خدا ﷺ و ولی خدا را اطاعت کنید. اگر اطاعت نباشد، همه چیز شما به هدر می‌رود. زحمت می‌کشید؛ ولی حاصلی در قیامت نمی‌گیرید: «الَّذِينَ مَزَرَعُوا لِالْآخِرَةِ»^۱ ما در این دنیا کشت و کار می‌کنیم که در قیامت محصول آن را ببینیم. حضرت ﷺ می‌فرمایند: اگر ولی نداشته باشید، کشت و کار شما به ثمر نمی‌نشیند و محصولی نخواهید دید.

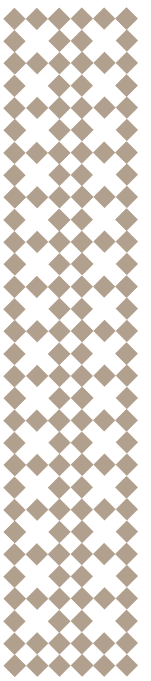
نهی قرآن کریم از سستی و تسلیم در برابر دشمن

[قرآن] در جای دیگری می‌فرماید:

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ
وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾^۲

۱. مسعود بن عیسی ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، ج ۱، بیروت: الفقیه، بی تا، ص ۱۸۳؛ ترجمه: دنیا کشتگاه آخرت است.

۲. در برابر دشمن، سستی نکنید و سازش دلت‌بار نخواهید؛ حال آنکه پیروز میدان شما هستید. آخر، خدا با شماست و از مزد زحمت‌هایتان کم و کسری نخواهد گذاشت (محمد: ۳۵).



﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ...﴾: مبادا سست شوید و تن به ذلت بدهید. انسان وقتی سست شد می‌گوید: «برویم با دشمن حرف بزنیم. شاید با هم رفیق شدیم.» قرآن می‌گوید: گرگ با آدم رفیق نمی‌شود. از دندان‌های تیز گرگ و از حیل‌های پیچیده روباه بترسید. استکبار جهانی و صهیونیست‌ها گرگ، انگلیسی‌ها هم روباه هستند. با گرگ و روباه آشتی کردن و کنار آمدن، تحقیر کرامت انسانی است. انسان نمی‌تواند با آن‌ها هم‌زیستی کند و همراه شود. مبادا سست شوید و به سمت وسوی سلم و آشتی با دشمنان بروید. شما با امام حسین عليه السلام در سلم و آشتی هستید و همواره به رسول خدا صلى الله عليه وآله، امیرالمؤمنین عليه السلام، فاطمه زهرا عليها السلام و ائمه هدی عليهم السلام می‌گویید:

﴿إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكَمُ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ،
وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ.﴾^۱

ما با دشمنان خدا همیشه در جنگ هستیم.

۱. من در صلح با کسی که با شما صلح کرد و در جنگ با کسی که با شما جنگید و دوستم با کسی که شما را دوست داشت و دشمنم با کسی که شما را دشمن داشت.

هرکه میان‌هاش با شما خوب است، ما خاک پای او می‌شویم. هرکه با شما دشمن است، ما هرگز روی خوش به او نشان نمی‌دهیم: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...﴾^۱ بین خودمان دوستی و سلم و برادری و محبت [برقرار] است؛ اما در مقابل دشمنانمان [در حال] جنگ و آتش و خشم و خروش هستیم. این شیوه ایمانی ماست. [خداوند] فرمود: مبادا سست شوید و به دشمن روی خوش نشان بدهید. اگر مؤمن باشید و در راه خدا بمانید، شما دست برتر را دارید و موفق و پیروز هستید. سپس فرمود:

﴿إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ جَزَاءُ تَوَكُّؤُنَا لِغِيظِ الْكُفَّارِ
أَجْرًا عَظِيمًا﴾

۱. اشاره به آیه ۲۹ سوره فتح: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ ترجمه: محمد پیامبر خدا و همراهانش در برابر دشمنان بی‌دین سرسخت‌اند و با خودشان مهربان. آنان را زیاد در حال رکوع و سجود می‌بینی. همیشه دنبال لطف و رضایت خدایند. نشانه بندگی و فروتنی از قیافه‌هایشان پیداست. این است وصفشان در تورات. اما وصفشان در انجیل: مثل زراعتی‌اند که خدا جوانه‌هایش را از دل خاک بیرون بیاورد و رشدشان بدهد تا محکم بشوند و بر ساقه‌هایشان بایستند؛ جوری که کشاورزان را سر ذوق بیاورد. خدا مسلمانان را این‌طور مقتدر می‌کند تا به واسطه آن‌ها بی‌دین‌ها را به خشم بیاورد. بله، خدا به همراهان پیامبر که ایمان آورده و کارهای خوب کرده‌اند، آموزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.



﴿إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ...﴾: آنچه انسان را به سستی می‌کشد دنیاست. مقام دنیا، مال دنیا، شهرت دنیایی و خوش‌گذرانی‌های دنیا، این‌ها برای بازی و امتحان است. خیلی وقت‌ها این‌ها ما را زمین می‌زنند و آبروی ما را به نابودی می‌کشانند.

﴿...وَإِنْ تُوْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ﴾: اگر اهل ایمان و تقوا باشید، خدا پاداش خوب به شما عنایت می‌کند و پاداشتان نزد خدا محفوظ است. کار خدا این است. امیدواریم خدای متعال در مقابل دشمنان، چشم و دل ما را بیدار و انگیزه‌ما را قوی [کند]، بصیرت و دشمن‌شناسی را در ما تقویت [نماید] و عزم موحدانه و متحدانه ما را محکم گرداند ان شاء الله.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٢﴾
 إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ

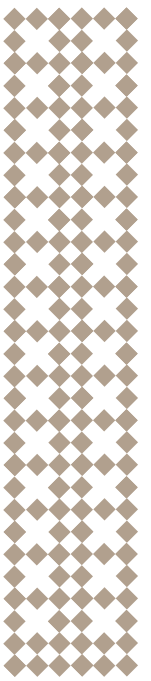
خطبه دوم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى
عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ
الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ
الْجَنَّةِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَعَلَى
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مُوسَى
بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَعَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى
الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.
أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ.

مناسبت های هفته

سخنی در باب تحولات سوریه

همچنان اصلی ترین و جدی ترین مسئله این روزهای ما



اتفاقاتی است که در کشور سوریه پیش آمد. دشمن برای این حرکت اهدافی دارد. رهبر عزیز ما فرمودند: آمریکا و اسرائیل مرکز تصمیم‌گیری و اتاق فرماندهی این اتفاقات در سوریه هستند. همیشه عرض کرده‌ایم که این‌ها دو تا نیستند؛ یکی هستند.

اشاره‌ها نشستند تصمیم گرفتند، برنامه‌ریزی کردند و لشکر تبلیغاتی خودشان را فرستادند؛ در پی آن هم اقدامات مسلحانه آغاز کردند. یکی از اهداف مهم آن‌ها سرپوش گذاشتن روی خفت، خواری، ذلت و شکست صهیونیسم در مقابل غزه و لبنان است. شکست کوبنده و خردکننده‌ای برای صهیونیست‌ها بود؛ برای اینکه فراموش شود و مسئله جدیدی در اذهان مردم راه بیفتد، این حرکت [را آغاز کردند] که برای آن‌ها شبیه پیروزی است. [البته] این هم پیروزی نیست و حتماً تبدیل به شکست مفتضحانه دیگری برای آمریکا و اسرائیل خواهد شد ان شاء الله. یک مقصد این‌ها این بود.

تمام همتشان را به کار گرفتند که بگویند ما هستیم؛ زیرا لبنان، فلسطین، غزه و کرانه باختری،

همه کاری کرده بودند که دیگر هیچ چیز برای صهیونیست‌ها باقی نمانده بود. این تلاش مذبحانه برای این است که بگویند: «ببینید! ما هستیم!» فکر می‌کنند با شرارت و جنایت می‌توان موجودیت اثبات کرد. [اگر] تاریخ را هم نگاه کنیم، کسانی که خواستند با شرارت و با نفاق دوام بیاورند، همه آن‌ها با ذلت و خواری از صحنه روزگار حذف شدند. صهیونیست‌ها این را نمی‌فهمند. بهتر که نفهمند تا در همین مسیر به نابودی کشیده شوند.

ما باید توجه داشته باشیم که سوریه در زمان دفاع مقدس، در زمان حافظ اسد، کمک‌های جوانمردانه جدی به ما داشته است. این را نباید فراموش کنیم. نفت عراق از طریق خط لوله از کشور سوریه به سمت مدیترانه و اروپا می‌رفت و در حقیقت فرصت خوبی برای صدام بود تا با پول این نفت، بتواند خود را سرپا نگه دارد. نفتی که صادر می‌شد، تقریباً یک سوم آن به کشور سوریه داده می‌شد که فرصت ترانزیتی را در اختیار عراق قرار داده بود. در آن شرایط، درآمد سوریه هم همین چیزها بود؛ اما آن لوله نفت را قطع کردند



و گفتند: «ما نمی‌گذاریم کسی که با ایران دشمنی می‌کند قوی بماند». در زمان دفاع مقدس که ما خیلی مشکلات داشتیم، این کار جوانمردانه‌ای بود که حافظ اسد [انجام داد]. ما [نیز] این‌ها را قدر دانستیم.

چقدر عزیزان ما از سر جوانمردی و برای دفاع از حرم زینب کبری علیها السلام و عتبات عالیات به شهادت رسیدند. [در واقع] خواستند بگویند: «شما کار خوبی کردید. ما هم آن را جبران می‌کنیم.» جبران [هم] کردیم. این جوانمردی ادامه پیدا کرد. رهبر ما فرمودند: ما بنا نبود برویم جای ارتش آن‌ها بجنگیم؛ ما قرار بود مستشار باشیم و راهنمایی کنیم. این کارها را به نحو احسن انجام دادیم.

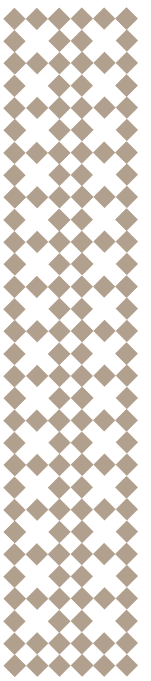
سخن رهبر ما دقیق است. ایشان فرمودند: آینده مقاومت قوی‌تر از گذشته پیش خواهد رفت. دشمن این را بداند. خانواده‌های شهدا و جانبازان، رزمندگان و آزادگان ما و همه شما مؤمنان هم که دل‌سوزان نظام مقدس جمهوری اسلامی هستید، بدانید و در جریان باشید. می‌دانم که باور هم دارید هر روز که می‌گذرد، مقاومت جدی‌تر می‌شود.^۱

۱. نک: سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار هزاران نفر از اقشار مختلف مردم درباره تحولات منطقه»، سایت خامنه‌ای، آذر ۲۱، ۱۴۰۳.

نکته دیگر: اوایل که راه برای زیارت عتبات [عراق] باز شد، همه چیز عراق دست آمریکایی‌ها بود. شاید بعضی از شما مثل من آن زمان را دیده باشید: هرکجا می‌رفتیم، حتی سر کوچه‌ها، آمریکایی‌ها ایستاده بودند و با لباس‌های خشن و رفتار بی‌ادبانه و تند حضور داشتند. الان گورشان را از عراق گم کرده‌اند و خیلی کم‌رنگ در عراق هستند. پیش‌بینی این است که به‌زودی زود از کل منطقه اخراج می‌شوند. زمانی یمن، عراق و افغانستان در اختیار آن‌ها بود؛ سوریه [هم] بیشتر از الان در اختیار آن‌ها بود. الان مجدداً آمده‌اند در سوریه خودی نشان بدهند. یقین داریم با جوانان غیور سوریه و با حمایت ملت‌های مسلمان از همه جا، به‌زودی شاهد اخراج آمریکایی‌ها از منطقه خواهیم بود ان شاء الله.

سالروز تبعید رهبر انقلاب علیه السلام به ایران‌شهر

در سالروز تبعید رهبر عزیزمان به ایران‌شهر هستیم. ایشان که الان رهبر عزیز ما هستند، زمانی ایشان را تبعید کردند؛ هیچ کاری هم نمی‌شد کرد.



ما زمانی را گذرانیدیم که نیمه‌شب به خانه امام ما رفتند، [ایشان را] دستگیر کردند و به زندان بردند؛ هیچ کاری هم نتوانستیم بکنیم. زمانی مقاومت ما در فلسطین با سنگ بوده است: انتفاضه حجاره. کاری بیشتر از آن از دست ما بر نمی‌آمد. اما الان کجا هستیم؟ به کوری چشم دشمن، مقاومت به صورت تصاعدی رشد می‌کند و این برای دشمن وحشتناک و رعب‌انگیز است.

روز تجلیل از شهید تندگویان

[سالروز] تشییع پیکر شهید تندگویان، وزیر دولت شهید رجایی را که [ایشان] از این مرزوبوم بودند گرامی می‌داریم.^۱

سالروز شهادت آیت الله دکتر مفتاح؛ روز وحدت حوزه و دانشگاه

[سالروز] شهادت آیت الله دکتر مفتاح را گرامی می‌داریم.

۱. شهید محمد جواد تندگویان (۱۳۲۹ تا نامعلوم): ایشان وزیر نفت دولت شهید رجایی بودند که در سال ۱۳۵۹ حین بازدید از پالایشگاه نفت آبادان به اسارت نیروهای بعثی درآمدند. از چگونگی شهادت ایشان در زندان اسیران اطلاعی در دست نیست. سرانجام پس از یازده سال، پیکر این شهید غریب در ۲۹ آذر ۱۳۷۰ به کشور منتقل شد و در قطعه شهیدان ۷۲ تن آرام گرفت.

ایشان در کنار علامه شهید مطهری، عامل جدی وحدت حوزه و دانشگاه بودند. به همین مناسبت، روز تحقیق و پژوهش و همچنین روز وحدت حوزه و دانشگاه را هم گرامی می‌داریم. در زمان شاه، قبل از انقلاب، کسانی بودند که به اختلاف بین حوزه و دانشگاه دامن می‌زدند. امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در این خصوص خیلی سفارش کردند و سفارش‌های امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بسیار مؤثر بود. سال ۵۸ در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ [روز شهادت آیت‌الله دکتر مفتح را روز] وحدت حوزه و دانشگاه نامیدند. ما آن زمان در مدرسه فیضیه بودیم. جمعیت زیادی از دانشگاه‌های سراسر کشور به قم آمده بودند. جمعیت چنان [زیاد] بود که در حیاط بزرگ مدرسه فیضیه جا نمی‌شد. جلسات به جای سالن، در حیاط برگزار می‌شد و هیچ سالنی پاسخ‌گوی این جمعیت نبود.

سال بعد یعنی سال ۵۹ [اهل] حوزه برای [گرامیداشت روز] «وحدت حوزه و دانشگاه» به تهران رفتند. مرکز برنامه‌ها [در] دانشگاه تهران بود. به یاد دارم اولین بار که صدای ضد‌هوایی‌ها را شنیدیم و هواپیماهای





بعثی به فضای کشور ما آمدند، همان شب‌هایی بود که طلبه‌ها برای [گرامیداشت روز] وحدت حوزه و دانشگاه در تهران بودند. برای اولین بار، آنجا دیدیم که ضد‌هوایی‌ها هواپیماها را دور می‌کنند و تیراندازی می‌کنند. ما چنین روزگاری را گذرانده‌ایم.

به برکت شهید مطهری، شهید مفتاح و دیگر بزرگان حوزوی و دانشگاهی، امروز شاهد وحدت بسیار تماشایی و ارزشمند هستیم: نهادهای رهبری در دانشگاه‌های کشور، استادان معارف دینی برای همه دانشجویان در هر رشته‌ای که باشند. این‌ها مسائل ارزشمندی است که الحمدلله در دانشگاه‌های ما جریان دارد.

روز حمل و نقل و رانندگان

روز حمل و نقل است. [تبریک می‌گوییم به] رانندگان صبور و جوانمردی که چرخه جابه‌جایی بار و مسافر [را می‌چرخانند] و کار بسیار پرزحمتی [دارند]. این عزیزان ما گاهی از جنوبی‌ترین به شمالی‌ترین استان‌ها و شهرهای ما، [گاهی از] شرقی‌ترین به غربی‌ترین [مناطق کشور] و گاهی به خارج از کشور

[می‌روند،] این مسیرهای طولانی [را طی می‌کنند]، زحمت‌های طاقت‌فرسا می‌کشند و کمتر رنگ خانواده را می‌بینند. ما مردم، جوانمردی این قشر زحمت‌کش را مخصوصاً در اربعین مشاهده می‌کنیم. جاهای دیگر با آن‌ها نیستیم و از دور می‌شنویم؛ اما در اربعین با همه وجود می‌بینیم: راننده اتوبوس، راننده تریلی یا [راننده] کامیون، برای امام حسین علیه السلام زحمت می‌کشند. هر ساله یک بار می‌آیند با امام حسین علیه السلام بیعت می‌کنند و توان خودشان را نشان می‌دهند. امیدواریم همیشه و همه جا سالم باشند و خانواده‌های آن‌ها معزز باشند.

روز جهان‌عاری از خشونت و افراطی‌گری

روز جهان‌عاری از خشونت و افراطی‌گری است. کشوری که پرچم‌داری می‌کند در زمینه خشونت‌زدایی، مبارزه با تروریسم و مبارزه با جلادان و خون‌آشام صهیونیسم، ایران اسلامی است. دیگران هم با ایران هماهنگ می‌شوند و هر روز اوضاع بهتر خواهد شد. ما از این اطمینان داریم ان شاء الله.



گزیده بیانات آیت الله عابدینی در خطبه‌های نماز جمعه | ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۳

وفات حضرت ام‌البنین علیها السلام!

روز تکریم مادران و همسران شهدا

مناسبت دیگر، وفات ام‌البنین علیها السلام است. اسم این خانم فاطمه و کنیه ایشان ام‌البنین بود. پس از اینکه چهار فرزند رشید به دنیا آورد، به او گفتند: «مادر فرزندان» [به فرزندان] افتخار می‌کرد. اصولاً خانم باید به فرزندان افتخار کند؛ پس باید فرزند داشته باشد که افتخار کند. ارزش هر خانمی باید به این باشد که بگوید: «من فرزند بیشتری به دنیا آوردم». جوانی جمعیت بسیار اهمیت دارد و پیر شدن جمعیت خطر جبران‌ناپذیری است؛ بنابراین خانم‌ها و خانواده‌ها، ازدواج را باید سهل کنند. زمان کرونا همه از یکدیگر فاصله می‌گرفتند، اما آمار ازدواج بالا رفت؛ زیرا تشریفات، هزینه هتل و خیلی مسائل دیگر حذف شد و خیلی‌ها خیلی راحت تن به ازدواج دادند. ما همین کار را بکنیم، سهل بگیریم و مخارج تحمیلی نیاوریم برای خانواده‌ای که به‌سختی می‌خواهد سرپا بایستد و هنوز شغل او معلوم نیست.





پدران و مادران پسر یا دختر، هر دو طرف، همت و حمایت [کنند] تا ازدواج زیاد شود و وقتی هم ازدواج می‌کنند، فرزندآوری [را جدی بگیرند].

من شاهد بودم کسی که می‌گفت: «الان زود است. ما نمی‌توانیم. چه کنیم!» خدا رازق است؛ [اما] او خودش را رازق می‌داند و خیال می‌کند رزق بچه دست اوست. فرزندآوری را به تأخیر انداختند و بعداً دیدند کار از کار گذشته است. عمری حسرت [خوردند] که حال دیگر نمی‌توانیم صاحب فرزند شویم. این‌ها را بدانیم و درس عبرت بگیریم. جلوی نعمت خدا را نگیریم و قاتل فرزندی نشویم که باید پناهگاه آن‌ها باشیم. بچه‌ای که سقط می‌شود، مادرش پناهگاه اوست. همان که باید پناهگاه او باشد، او را سقط کند. چه بد است! بی‌رحمی و جلادی است!

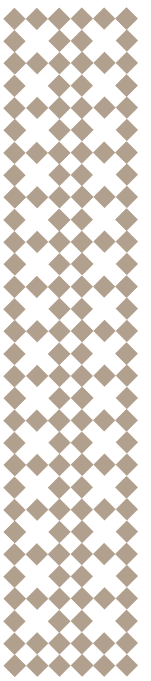
افتخار ام‌البنین علیها السلام این بود که صاحب فرزندان متعدد است. شاید خبر داشته باشید که ام‌البنین علیها السلام دو بار گفت: «مرا به این عنوان صدا نکنید.» یکی زمانی که به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و دید وقتی آنجا «فاطمه» می‌گویند، بچه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام

به یاد مظلومیت مادرشان می‌افتند. فرمود: «اینجا مرا فاطمه صدا نکنید.» بعدها به او ام‌البنین می‌گفتند؛ تا زمانی که هر چهار پسر ام‌البنین علیهم‌السلام، یعنی ابوالفضل علیه‌السلام و برادران ایشان، در کربلا به شهادت رسیدند. پس از آن می‌فرمود: «دیگر مرا ام‌البنین نخوانید؛ زیرا دیگر فرزندی برای من باقی نمانده است.» یک بار گفت: «(مرا به اسم [صدا نکنید])»؛ یک بار هم گفت: «(مرا [به کنیه صدا نکنید]).»

نقل می‌کنند که به قبرستان بقیع می‌رفت. بعداً هم این خانم در همان قبرستان بقیع دفن شد. مثل کسی که می‌خواهد سر قبر عزیزانش برود، به قبرستان بقیع می‌رفت. می‌دید عزیزان او آنجا نیستند و [در] کربلا دفن شده‌اند. هر بار جایی در قبرستان می‌نشست و شروع می‌کرد به نوحه خواندن و گریه کردن. خیلی‌ها هم به آنجا می‌رفتند و این نوحه‌ها را می‌شنیدند و با او گریه می‌کردند. [نوحه] می‌خواند و می‌گفت:

يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّ عَلَى جَمَاهِيرِ النَّقْدِ
وَوَرَاهُ مِنْ أَبْنَاءِ حَيْدَرَ كُلِّ لَيْثٍ ذِي لَبْدٍ





أَنْبِئْتُ أَنَّ ابْنِي أُصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعَ يَدٍ
وَيْلِي عَلَى شِبْلِي أَمَالَ بِرَأْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ

لَوْ كَانَ سَيْفُكَ فِي يَدَيْكَ لَمَّا دَنَا مِنْهُ أَحَدٌ^۱

«يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّ عَلَى جَمَاهِيرِ النَّقْدِ وَوَرَاهُ مِنْ
أَبْنَاءِ حَيْدَرَ كُلِّ لَيْثٍ ذِي لَبَدٍ»: ای کسانی که ابوالفضل
مرا دیدید که به روباه‌صفتان و فرومایگان حمله
می‌کرد. و [همراه او] فرزندان علی، فرزندان حیدر
[همگی] شیرانی بود که در مقابل روباه‌صفتان
می‌ایستادند.

«أَنْبِئْتُ أَنَّ ابْنِي أُصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعَ يَدٍ»: شنیدم
بر فرق فرزند من عمود آهنین زدند. مگر دستان
فرزندم قطع شده بود و چیزی در اختیارش نبود که
دشمن توانست بر فرق سر او ضربه وارد کند؟!
«لَوْ كَانَ سَيْفُكَ فِي يَدَيْكَ لَمَّا دَنَا مِنْهُ أَحَدٌ»: فرزندم!



۱. نعمان بن محمد تمیمی (قاضی نعمان)، شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الاطهار عليهم السلام، به تحقیق سیدمحمد حسینی جلالی، ج ۳، قم: جامعه مدرسین، بی‌تا، ص ۱۸۶؛ ترجمه: ای که دیدی عباس بر جماعت شغالان حمله کرد و شیرپسران حیدر پشت سرش ایستاده بودند. می‌گویند دستان پسر بریده بود و بر سرش ضربت زدند. وای بر من که عمود آهنین بر سر پسر فرود آمد. اگر دست در بدن داشتی و شمشیر به دستت بود، احدی جرئت نزدیک شدن به تو نداشت.

عزیزم! ابوالفضل من! اگر شمشیر تو در دستانت بود، هیچ کس نمی توانست به تو نزدیک شود. من می دانم آن زمانی که به تو نزدیک شدند، لابد دست در بدن نداشتی که چنین اتفاق افتاده است. از خدا می خواهیم روح این بانوی مکرّم را با حضرت زهراى اطهر علیها السلام محشور فرماید.

دعای پایانی

پروردگارا! بر عزت، عظمت و سربلندی اسلام، مسلمانان مظلوم سوریه، لبنان، غزه، یمن، عراق و همه کشورهای اسلامی، مستضعفان عالم و همه بندگان بیفزای نقشه های شوم اجانب را به خودشان برگردان. پروردگارا! تا ما را نیامرزیده ای از این دنیا مبر. ما را اهل سجده و رکوع، اهل نماز جمعه و جماعت، اهل مسجد، اهل قرآن و ذکر، اهل تهجد و عبادت قرار بده.

دل های ما را به برکت ایمان، هر روز به یکدیگر مهربان تر قرار بده.





پروردگارا! قلب امام زمان ما را از ما شاد و راضی بدار.
سایه عزت و اقتدار رهبر حکیم انقلاب اسلامی را
بر سر همه مسلمانان جهان و مستضعفان عالم
مستدام بدار.

خدایا! به زودی زود خبر خوشی از پیروزی سوریه بر
اجانب، از پیروزی غزه و لبنان و فلسطین بر صهیون،
از اخراج آمریکایی‌ها از منطقه و شکست مفتضحانه
دشمنان، به امت اسلام برسان.

اللَّهُمَّ اغْفِرِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ
وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ فِي مَشَارِقِ
الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، تَابِعِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ،
إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

